

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

بالضمان متن قوانین

پنجشنبه هشتم آبان ۱۳۱۴

شماره مسلسل - ۷۰۹

قیمت اشتراك { سالیانه : ۷۰ ریال
داخه : ۷۰ ریال
خارجه : ۱۰۰ ریال
تک شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۱۴ *

فهرست مطالب

- | | |
|--|---|
| ۱) تصویب صورت مجلس | طرف آقای وزیر مالیه |
| ۲) بقیه شور لایحه قانون مدنی راجع بدلائل اثبات دعوی | ۶) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر داخله |
| ۳) معرفی آقای معاون وزارت عدلیه و تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه | ۷) بقیه شور لایحه قانون مدنی از ماده ۱۳۲۷ |
| ۴) بقیه شور لایحه قانون مدنی از ماده ۱۳۲۰ | ۸) تصویب ۵ فقره مرخصی |
| ۵) معرفی آقای معاون وزارت مالیه و تقدیم يك فقره لایحه از | ۹) موقوف جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس پنجشنبه اول آبان را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند **

- | | |
|--|--|
| ۱- تصویب صورت مجلس [رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد . | قبل از اجرای این قانون واقع شده مناط قیمت روز مطالبه است |
| ۲ - شور لایحه قانون مدنی راجع بدلائل اثبات دعوی از ماده ۱۳۱۱ [رئیس - شروع میشود بقرائت مواد قانون مدنی از ماده ۱۳۱۱ : | رئیس - آقای احتشام زاده |
| ماده ۱۳۱۱ - قیمت یا نصد ریال در زمان عقد یا اقباع و یا تعهد مناط است نه موقع مطالبه ولی نسبت بانچه که | اختشامزاده - موافقم . |
| | رئیس - موافقین با ماده ۱۳۱۱ قیام فرمایند . |
| | (اغلب قیام نمودند) |
| | رئیس - تصویب شد ماده ۱۳۱۲ . |
| | ماده ۱۳۱۲ - احکام مذکور در فوق در مواد ذیل جاری نخواهد بود . |

* عین مذاکرات مشروح بیست و هشتمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق تلوی ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

** اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : محمد رضا بهبهانی - شهابنگ - مختار مشیر - جلالی - مدلل - میرزائی - اقبال
دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر ادهم - وکیلی - زلفی - یان - نقابت - زرائی

۱ - در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل این که دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد.

۲ - در مواردی که بواسطه حادثه گرفتن سند ممکن نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و غرق کشتی که کسی مال خود را بدیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست.

۳ - نسبت بکلیه تمهیداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمیشد مثل اموالیکه اشخاص در مهمانخانهها و قهوه خانهها و کاروانسراها و نمایشگاه ها میسپارند و مثل حق الزحمه اطباء و قابله و همچنین انجام تمهیداتی که برای آن عادتاً تحصیل سند معمول نیست مثل کارهایی که به مقاطه و نحو آن تمهید شده اگر چه اصل تمهید بموجب سند باشد.

۴ - در صورتیکه سند بواسطه حوادث غیر منتظره مفقود یا تلف شده باشد.

۵ - در ضمان قهری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - راجع به مورد اول از ماده ۱۳۱۲ در شور اول بنده عرایضم را عرض کردم که محتاج باصلاح است البته سایر مواردی که ذکر شده است مواردی است که اصلاً تهیه سند ممکن نیست ولی این قسمت طوری نوشته شده است که هر کس اگر بخواهد يك دعوائی که بشهادت شهود قابل اثبات نیست میتواند باستفاده و استناد از شق اول این ماده ۱۳۱۲ ترتیبی فراهم کند که اصل منظور را تغییر بدهد برای اینکه در این فقره میگوید هر کس يك دلیلی داشته باشد و معین نمیکند که چه دلیلی بالاخره يك دلیلی تهیه کرده میتواند بضمیمه این دلیل شهودی اقامه کند و دعوی خودش را ثابت کند مثلاً فرض بفرمائید يك کسی ادعای ملک می کند

يك راهی از برای حبله و از برای دعاوی باطل باز شود و بخواهد بوسیله او یعنی يك دلیل موهومی بیاورند و بعد بشاهد تکمیل بکنند دلایلی که ذکر شده است برای اثبات دعوی چند قسم است يك دلایلی است که حد تأثیر آنها در اثبات دعوی مطلق است و محدود بحدی نیست مثل اقرار بسند و بعضی از دلایل هست که محدود است مثل شهادت که فی حد نفسه تأثیر آنرا تا پانصد ریال معین کرده ایم و یا اماراتی که در نظر قاضی هست که بخودی خود نمیتواند طیبی بشود پس دعوی با هر دلیلی که اقامه شد که بخودی خود میتواند آن دایل اثبات کند یعنی يك وقت است دلیل بطور قطعی است بر مطلب که محتاج بهیچ تقویق نیست مثل يك اقرار صریح و سند رسمی يك وقت است که دلیل قدری ضعیف است یعنی من حیث الصدور یا من حیث الدلاله یقعدری ضعیف است ممکن است که صدورش قوی باشد ولی دلالتش همینطور که اینجا مثال زده شده است مجمل باشد و دلالت بر تعیین نکند اینجا شاهد میآورد بر مقدار یا اقرار میکند بر يك دینی ولی مقدار را معین نمیکند و یكوقت این است که صدورش یقعدری ضعیف است نه بآن معنی که بکلی موهوم است مثلاً سندی است عادی در مقام اثبات است دلایلی هم بر صحت او هست در اینجا جایز است که بشهود تکمیل شود و این عین مطلبی بود که اینجا نوشتیم و همینطور در مورد تردید و تکذیب سندیکی از مواردی که سند تقویت میشد بشهادت اشخاصی بود که مطلع از تنظیم آن سند بودند. این ماده چیز دیگری ندارد.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - در این ماده در فقراتی که ذیل ماده ذکر شده بنا بر اعتقاد من يك جزء از این جا کسر است و لایق است این جزء را اگر آقای وزیر عدلیه موافقت میفرمایند يك توضیحی بفرمایند یا در تکمیل این فقرات مذکوره آن فقره هم اضافه شود. دو مسئله است در عادت و عرف ما خیلی جاری است یکی مسئله جهیز است که زن بخاله

شوهر میبرد و یکی اشیاء و اسبابی است که شوهر در وقت ازدواج برای زن میفرستند و آن بردو قسم است يك قسمش این است که آن اشیائی را که شوهر برای زن میفرستد در ضمن قبالة زن ذکر میشود که انگشتر یا چه یا چه جزء مهر است جزء صداق است آن اشکالی ندارد و متکی است بیک سند رسمی که آن عقد نامه باشد ولی عرفاً و عادتاً غالباً اینطور اتفاق می افتد که آن اشیائی که از طرف شوهر داده میشود در قبالة ذکر نمیشود و همینطور می دهند و جزء صداق محسوب نیست جهیز زن هم وقتی که بخانه شوهر میبرد عرفاً و عادتاً يك سند رسمی از شوهر نمیگیرند که يك همچو اشیائی تسلیم و تحویل خانه شما شده و در غالب از نزاعهای مربوط باین دو مقدمه وقتی که اتفاق می افتد هیچ مدرکی برای زن مدرک صحیح محکم پسند برای زن موجود نیست که بر حسب آن مدرک اثبات کند که این مقدار جهیز من در خانه این شوهر گذاشته ام تا وقتی که منجر بطلاق میشود وقتی که زن مهریه خود را مطالبه میکند برای شوهر هیچ قسم سند و مدرک در دست نیست که يك اشیائی بقیمت گراف من تسلیم این زن کرده ام این دو موضوع فقط راه اثباتش در عرف و عادت ما بشهادت شهود است آنهم شهادت اشخاص معینی و در این موضوع بخصوص نمیشود انسانی دائره شهادت شهود را وسعت بدهد و از هر کسی استشهاد بکند برای اینکه هر کسی اطلاع بر این واقعه ندارد شهود این قضیه بیشتر از زنها و مردهائی هستند که داخل دو این جریان و کیفیت بوده اند. این دو موضوع را که یکی جهیز زن است در خانه شوهر و یکی هم اشیاء شوهر است که تسلیم زن میکنند ولی در قبالة زن داخل نیست و ذکر نشده و جزء مهر نیست این دو موضوع را خواستم تذکر بدهم که اگر چنانچه آقای وزیر عدلیه و آقای مخبر و همچنین آقایان موافقت بفرمایند یکی از فروع مذکوره در این ماده این دو موضوع باشد یکی جهاز زن و یکی اشیائی که از طرف شوهر در موقع عقد به زن تسلیم میشود و جزء صداقش در قبالة منظور نیست

وزیر عدلیه - اینجا در این ماده يك كلی نوشته شده است و آن اینست که نسبت بکلیه تمهیداتی که عاده تحصیل سند معمول نیست میباشد و باقی از باب مثال ذکر شده است پس اگر يك موارد دیگری هم باشد که بر حسب عرف و عادت تحصیل سند معمول نیست داخل اینجا می شود زیرا حصر بموارد مذکوره ندارد ولی این من باب مثل است و چه بسا هست که بکوفتی معمول بشود مثل این که بعضی ها معمول دارند که جهیزی که همراه دختر میکنند سند میگیرند از آن شوهر یا از کسانش. اگر عادت بر آن جاری است اینجا پس معمولاً سند تحصیل می کنند و اینجا هم البته سند عادی است نه رسمی و انطور اسناد را باید ترتیب اثر داد و اگر عادت بر این جاری نیست مثل خجلی از شهرها و دهات که شاید خیلی صحیح هم است اگر چنین کاری نکنند در اینجا آنوقت داخل این موضوع میشود به علاوه این را میتوان در مورد ماده پنج هم برد که دارد ضمان قهری. اینهم ضمان قهری است که چون يك مالی برده اند و دست دیگری سپرده اند مال مال دیگری است و وقتی بدست دیگری بدهند امانت میشود و امانت هم ضمان قهری میآورد و با آن ماده میتوان تطبیق نمود والا همین موضوع کافی است

رئیس - موافقین با ماده هزار و سیصد و دوازده قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده هزار و سیصد و سی و نهم.

ماده ۱۳۱۳ - شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمیشود:

- ۱ - محکومین بمجازات جنائی
- ۲ - محکومین به امر جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد.
- ۳ - اشخاص واکرد و کسانی که تکلیف را شغل خود قرار دهند.
- ۴ - اشخاص معروف به فساد اخلاق
- ۵ - کسیکه نفع شخصی در دعوی داشته باشد
- ۶ - شهادت دیوانه در حال دیوانگی.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده عقیده ام این است که این ماده اگر با این ترتیب تصویب شود در مقام عمل باز خیلی اسباب زحمت و اشکال خواهد شد چون بدیهی است ماعجاله سجل جزائی نداریم یعنی اشخاصی که مرتکب جنحه و جنایت میشوند باید يك سجل جزائی داشته باشند و در وزارت عدلیه يك دفتر منظم و مرتبی باشد که در موقع لزوم مراجعه بآن دفتر بکنند تا آنوقت معلوم شود که این شخص مرتکب جنایت یا جنحه شده است یا خیر. متأسفانه يك همچو سجل جزائی ما امروز نداریم و بنده تذکراً عرض میکنم و تقاضا دارم آقای وزیر عدلیه هر چه زودتر نسبت باین قضیه توجهی فرمایند و فکری برای این موضوع بنمایند که ما يك سجل جزائی داشته باشیم و مرتکبین بجنحه و جنایت همیشه معلوم و مشخص باشند. عجاله که این سجل جزائی نیست این ماده در موقع عمل اسباب زحمت مردم خواهد شد چون از استشهاد مردم که نمیشود جلوگیری نمود. بنده فرض کنید وقتی يك دعوائی دارم استشهاد میکنم و بمحکمه تسلیم میکنم لیکن محکمه در عمل باید مطالعه کند که این شخص مرتکب جنحه و جنایت شده است یا نه و اینهم چون سجل جزائی نداریم خیلی در مقام عمل مشکل خواهد شد و بلکه هیچ ممکن نیست فعلاً يك استشهادی که بمحکمه وارد شد محکمه بدو باید این شخص را تحقیق کند تعقیب کند آنوقت جریان اداریش چه قدر طول دارد محکمه باید بنویسد بنظمیه نظمی اطلاع بدهد که این شخص مرتکب جنحه و جنایت هست یا نیست آنهم بعد از مدتی که مطالعه و تحقیقات بکنند تا بالاخره این خبر را بدهد و این در مقام عمل حقیقه اسباب زحمت خواهد بود و آنوقت جلوی مردم را هم نمیتوان گرفت و يك استشهادی هم که بمحکمه تسلیم شد محکمه مجبور است در مقام عمل تحقیقات بکند. این يك عرض بنده عرض دیگر بنده در این قسمت بود که محکومین به جنحه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت

دادن در محکمه محروم کرده باشد. فعلاً در قوانین که تا بحال ما داریم چنین چیزی نیست که محکمه در حکم خود تصریح کند باینکه فلان شخص از شهادت دادن محروم است بلکه در قوانین يك سابقه ما داریم که محکمه ممکن است حکم بدهد که يك کسی از حقوق مدنی محروم است ولی اینکه بخصوص محکمه حکم بدهد که يك کسی از دادن شهادت در محکمه محروم است این را نداریم. عرض دیگر بنده راجع بنفع شخصی بوده و بعقیده بنده اینجا باید يك لفظ (فعلی) هم اضافه شود. کسیکه نفع شخصی فعلی در دعوی داشته باشد و الا نسبت بهر شخصی ممکن است بگفت که نفع شخصی متصورى دارد مثلاً پدر راجع به پسر یا بعکس و همینطور زوجی در باره زوجه و بالعکس اینها بالمآل ممکن است يك نفع شخصی داشته باشند و باید يك کلمه فعلی اضافه شود که این اشکال رفع شود.

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - اشکالی را که نماینده محترم در مورد محکومین بامور جزائی فرمودند بنظر بنده وارد نیست. راست است که ما يك سجل جزائی منظمی نداریم و تمام اشخاص از حیث ارتکاب امور جزائی هوششان محرز و در تحت يك انضباطی نیست ولی طرف دعوی يك کسی که استشهاد میکند بشهادت اشخاص آنطرف قضیه البته خودش سمی میکند و تحقیق میکند در اطراف آن شهود و اگر دلائلی پیدا کرد و بمحکمه تسلیم نمود و اثبات کرد که این آدم محکومیت جزائی دارد و در نظر محکمه هم محرز شد که این آدم محکوم به جنحه و جنایت است البته جرح میشود رد میشود شهادت او و الا اگر صرف ادعا شد که این آدم محکوم بارتکاب جنایت است یا این شاهد محکوم به جنحه است البته این يك ادعائی است بی دلیل و مردود و نسبت بهك همچو شاهدی میشود جرح را وارد کرد و در مورد فقره ۲ که فرمودید در چه موردی است که مطابق قانون يك محکومی ممکن است در حکم محکومین

قید شود چکه این از ادای شهادت ممنوع است يك ماده کلی داریم که از بعضی از حقوق اجتماعی ممکن است يك آدمی که شهادت کذب داده است محکمه جنحه در مورد این محکوم تصریح کند که این آدم علاوه بر اینکه محکوم است بفلان مدت حبس از ادای شهادت هم در آتیه ممنوع است این معمول است در قوانین ما بطور کلی هست ولی البته بطرز خاصی در قانون جزا که تحت یک ماده مخصوصی معین کرده باشد که از چه قبیل جرائم موجب حرمان از شهادت باشد نداریم ولی ماده داریم که اصل کلی است که راجع است به محرومیت از حقوق اجتماعی از کل یا بعض آن و بعقیده بنده اشکالی ندارد و مثالیش را هم زدم که در مورد کسی که بواسطه دادن شهادت کذب محکومیت جزائی دارد و محکوم شده است محکمه ممکن است مقتضی بداند که این آدم را از ادای شهادت محروم نماید و در حکمش هم قید می کنید. اما موضوع نفع شخصی که فرمودید که نوشته شود بالفعل نفع شخصی داشته باشند بنظر بنده اگر بیائیم این نظر آقای را وارد کنیم و بگوئیم که اشخاصیکه بالقوه هم نفع شخصی در يك دارائی دارند محروم باشند یعنی ندارد یعنی اگر بگوئیم بصری نسبت به پدرش نمیتواند شهادت بدهد بنظر بنده اشکالی ندارد و اینجا باینکه عیازت مفهومی بالفعل را می رساند نه مفهومی بالقوه را

رئیس - آقای وثوق

وثوق - این ماده شش مورد اشخاصیکه شهادت آنها ممنوع نیست تصریح کرده ولی اشخاصیکه انساب سنی یا نسبی دارند ذکر نشده است مثلاً شهادت برادر نسبت برادر یا شوهر نسبت بزین یا بر عکس چون در قانون مدنی آنها قید شده است عقیده بنده این است این مواردی که در قوانین دیگر بطور کلی نوشته شده در اینجا هم باید تصریح شود حالا اگر موافقت میفرمایند قید شود.

وزیر عدلیه - راجع به قسمت فرمایش آقای دیبا اگر چه آقای احتشامزاده جواب دادند ولی در قسمت

آخرش يك قدری خودشان هم متمایل بودند باینکه کسی که بالمآل هم نفع شخصی پیدا میکند بتواند شهادت بدهد و بگذردی تمایل باین قسمت و این موضوع داشتند و سست جواب دادند (خنده نمایندگان) اما در قسمت محکومیت جزائی این قانون قانون مدنی است یعنی شهادت این اشخاص پذیرفته نیست اگر معلوم نشد که این محکوم شده است بجنایت باینجه ای که محروم شده است از حقوق اجتماعی یا حق شهادت دادن اگر معلوم نشد خوب نشده این جا طرز ادای شهادت و طرز مداخله بیان نمیشود آقا. البته اینها مربوط باصول محاکمات است در آن جا که می نویسند طرز ادای شهادت چیست بطرف مقابل هم حق داده می شود که بگوید این شخص محکوم باینجه است و از حق شهادت دادن محروم است. در این قانون خود حکم نوشته میشود و ازین جهت لازم نبود این معنی نوشته شود اما راجع بقسمت نفع شخصی که فرمودید آن معنایی که آقای دیبا در نظر داشتند عبارت کاملاً آن را در بردارد و می فهماند چون نفع شخصی داشته باشد غیر از این است که بالمآل و احتمالاً پیدا کنند بعد ها. مگر پسر لازم است که همیشه بعد از پدر بمیرد؟ خیلی پسر ها هم پیش از پدر مرده اند و می میرند و وارث واقع نمی شوند و اما راجع بمسئله نسبت و قرابت نسبی که آقای وثوق نمایندند محترم بیان کردند این اساساً مورد ندارد در این موضوع بجهت اینکه اولاً یارۀ از امور هست که شهادت اشخاص داخلی خیلی زیاد درش مؤثر است تا شهادت دیگران مثلاً ساعت تولد یا وفات و امثال اینها را کی خواهد فهمید؟ اینها هستند دیگر و همچنین بعضی از امور داخلی خانوادگی هست که مربوط است باقارب و آنها بهتر میدانند و میفهمند گذشته از آن مسئله اینکه این شاهد متهم بکذب باشد یا نه؟ يك امری است شخصی و هیچوقت نمیتوان يك ملاک کلی و قانونی برای این مسئله قرار داد و جز همین هائی که گفته شده است غیر از اینها را نمیتوان تصور کرد در بین

اقرای این شخص ممکن است شهادت يك نفر طوری باشد که مساوی باشد با شهادت تمام مردم از حیث حصول اطمینان و اعتماد و ممکن هم هست تمام اقربا باهم شهادتی بدهند و اشخاص خارج هم ضمیمه آنها بشوند معذک اعتبار حاصل نشود پس این مربوط است باشخاص يك شخصی است که به تنهایی قولش کاملاً طرف اعتماد است و يك وقت هم هست که يك کسی هیچ طرف اعتماد نیست و شهادتش هم مسموع نیست گذشته از اینها که شهادت همیشه برله نیست گاهی هم بر علیه میشود و اگر چنانچه ما بخواهیم بنویسیم که شهادت اقربا مسموع نیست این هیچ خوب نیست (صحیح است) و هیچ ملاکی نیست که بگوئیم شهادت اقرباء بر علیه اقرباء مؤثر نیست هیچ همچو قانونی نیست خوب هم نیست باشد. (صحیح است)

رئیس - موافقین با ماده هزار و سیصد و سیزده قیام فرمایند (اگر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و چهارده قرائت میشود.

ماده ۱۳۱۴ - شهادت اطفالی را که بسن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در مواردیکه قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

رئیس - موافقین با ماده هزار و سیصد و چهارده قیام فرمایند (اگر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و پانزده:

باب دوم - در شرایط شهادت

ماده ۱۳۱۵ - شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه بطور شك و تردید

رئیس - آقایان موافقین با این ماده قیام فرمایند (جمعی قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و شانزده:

ماده ۱۳۱۶ - شهادت باید مطابق بادعوی باشد ولی اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد ضرزی ندارد

رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و هفده:

ماده ۱۳۱۷ - شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد بنا براین اگر شهود باختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی بدست آید.

رئیس - موافقین با ماده هزار و سیصد و هفده قیام فرمایند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و هیجده:

ماده ۱۳۱۸ - اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد

رئیس - آقایان موافقین با این ماده قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و سیصد و نوزده:

ماده ۱۳۱۹ - در صورتیکه شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود بر خلاف واقع شهادت داده است بشهادت او ترتیب اثر داده نمیشود

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده منظورم این بود که در قسمت اشخاصی که برخلاف واقع شهادت میدهند و بعد معلوم شود که آنها شهادت دروغ داده اند این جا اگر باین اختصار از آنها صرف نظر نشود بهتر است و خوبست که این جا يك جبران خسارتی هم لا اقل قائل بشویم که کسی باین فکرها نیفتد زیرا حائمی ندارد که برود شهادت بدهد محکمه هم شهادت را بپذیرد و حکم بدهد بعد معلوم شود که شهادت دروغ داده اند اینکه نمیشود این بر خلاف منظور است و مجازاتی هم که ندارد و باز خو است نمیشود و بعقیده بنده این عمل بدو اخلاق ناپسند تکرار میشود اگر مجازاتی قائل بشویم جلوگیری میکند ازین مسائل

مخبر (آقای نقابت) - بنده در جواب توجه میدهم آقایان نماینده محترم را بقانون مجازات عمومی که برای شهادت دروغ مجازاتی معین کرده است و می نویسد اگر کسی شهادت

دروغ بدهد و در حکم محکمه مؤثر باشد بمجازات چندجه محکوم میشود و اگر مؤثر نباشد باز هم بمجازات های دیگری که خفیف تر است محکوم خواهد شد باین جهت چون در قانون مجازات عمومی برای شهادت دروغ مجازاتی معین شده است نظر آقا تأمین شده است.

رئیس - آقای وزیر عدلیه فرمایشی دارید؟

[۳ - معرفی آقای معاون وزارت عدلیه و تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه]

وزیر عدلیه - چون در این دوره مجلس مقدس شورای ملی افتتاح شده است معاون وزارت عدلیه معرفی نشده بود عرض میکنم که آقای متین دفتری بسمت معاونت وزارت عدلیه معرفی میشود. يك لایحه هم آقای حکمت وزیر معارف بوسیله بنده داده اند که تقدیم میشود.

[۴ - بقیه شور لایحه قانون مدنی از ماده ۱۳۲۰]

رئیس - بکمیسورن مراجعه خواهد شد. موافقین با ماده ۱۳۱۹ قیام فرمایند (عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۳۲۰:

ماده ۱۳۲۰ - شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل وفات یافته یا بواسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود

رئیس - موافقین با این ماده قیام نمایند (جمعی برخاستند) تصویب شد - ماده ۱۳۲۱

کتاب چهارم - در امارات

ماده ۱۳۲۱ - اماره عبارت از اوضاع واحوالی است که بحکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۳۲۱ قیام نمایند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۳۲۲:

ماده ۱۳۲۲ - امارات قانونی اماراتی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده. مثل امارات مذکوره در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۰۸

و ۱۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات مصر که در قوانین دیگر رئیس - موافقین باماده هزار و سیصد و بیست و دو قیام فرمایند (اکثر قیام کردند) تصویب شد ماده ۱۳۲۳. ماده ۱۳۲۳ - امارات قانونی در کلیه دعاوی اگر چه از دعاوی باشد که شهادت شهود قابل اثبات نیست معتبر است مگر آنکه ذلیل برخلاف آن موجود باشد رئیس - آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام کردند) تصویب شد ماده ۱۳۲۴.

ماده ۱۳۲۴ - اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده است عبارت است از اوضاع و احوالی که در خصوص مورد و در صورتی قابل استشهاده است که دعوی شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - این ماده در جمله که بنده بنظم رسیده مبهم است و علاوه نمکن است که در بعضی موارد هم برخلاف منظوری باشد که نوشته شده است. ظاهراً ماده اینطور میرساند که امارات قضائی یعنی اماره که در قانون تأثیر آن ذکر نشده است ولی نظر باوضاع و احوالی است که قاضی از يك قضیه استنباط کرده اینرا قانون بهش يك ترتیب اثری داده و گفته است که قاضی میتواند باین اماره استناد کند این اماره قضائی است و اینجا دومورد همین شده در جایی که قاضی میتواند استناد بچنین اماره میکند ظاهراً یکی دینویسد اگر دعوی شهادت شهود قابل اثبات باشد قاضی میتواند بچنین اماره استناد کند بعداً هم کلمه ذکر میکند بعنوان «یا» که تقسیم میکند قسمت اول جمله را با قسمت دوم و میگوید قاضی وقتی هم میتواند استناد با اماره بکند که این اماره ادله دیگری را تکمیل کند و اگر درست دقت شود این قسمت دوم عمومی (یعنی است) و این شامل تمام موارد است یعنی هر جا قاضی دلالت داشته باشد خواه کتبی باشد خواه رسمی باشد شاهد خواه ذلیل دیگر باشد آنها میتواند برای تکمیل آن ادله استناد باین

اماره قضائی بکند یعنی میخواهم عرض کنم که این قسمت دوم که نوشته است ادله دیگری را تکمیل کند این خودش شامل مواردی هم هست که شهادت شهود قابل اثبات باشد این است که چون قسمت دوم خیلی کلی است و شامل قسمت اول هم هست این جا ذکر کردن دعوی آن قسمتی که شهادت شهود هم قابل اثبات است بنظر بنده زائد است ولی اگر مقصود این باشد که خیر وقتی که دعوائی شهادت شهود قابل اثبات است قاضی میتواند اگر شهادت شهودی هم نباشد چون خود شهادت شهود قابل اثبات است میتواند تنها باماره قضائی استناد کند و حکم صادر کند اگر این مقصود باشد که قابل تجزیه است ولی این مقصود گمان نمیکند باشد برای اینکه صحیح نیست و بقاضی اجازه داده نشده است که وقتی یکی از این ادله پنج گانه که در ماده اول این قانون ذکر شده و تا نباشد قاضی نمیتواند حکم بدهد یا باید شهادت باشد یا اسناد کتبی باشد یا اماره قانونی باشد بنابراین در این ماده این تقسیمی که شده است چون قسمت دوم نوشته شده است که ادله دیگر را تکمیل کند واقعاً شامل قسمت اول هم هست و از قسمت اول هم آن منظوری که عرض کردم مقصود نبوده است از این جهت بنده بنظم آمد که اگر آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند در این ماده نوشته شود که در صورتی قابل استناد است که ادله دیگر را تکمیل کند آنوقت شامل این قسمت اول هم خواهد بود.

وزیر عدلیه - اینکه آقای نماینده بیان کردند مقصود اینست مقصود همان است که ظاهر ماده دلالت بر آن دارد و تقسیم هم شده است همانطوریکه در ابتدای این قسمت در ادله اثبات دعوی ذکر شده است و بیان شد که ادله اثبات دعوی بر چند قسم است و یکی از آنها هم امارات بود به چنین بود که امارات مثل يك سر باری است که اثبات است و دعوی استقلالاً ندارد در اثبات دعوی خیر آن هم جزء ادله است اثبات خواهد تأثیرش بکلیه است مثل شهادت

عیناً و هیچ تفاوتی ندارد اماره اگر دلالت نداشته باشد بر مقصود و بر مطلب یعنی دلالت نام مثبت در نظر قاضی البته کان لم یکن است او و دیگر اماره نیست ولی اگر داشت همچو فرض کنید که يك اماره و اوضاع و احوالی بقدری قوی است که قطع حاصل میشود برای قاضی چه مانعی دارد که بهمان استناد بکند اما تا چه حد تا همان حد است که از برای شهادت گذاشتیم یعنی همان پانصد ربال باین معنی که شهادت آن را اثبات میکند یا ادله دیگر را تکمیل کند زیرا که اوضاع و احوال همیشه ممکن است با هر ادله باشد و البته اگر باشد قاضی باید بشنود و بنا ببرد کند.

رئیس - موافقین با ماده ۱۳۲۴ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳۲۵ قرائت میشود ماده ۱۳۲۵ - در دعاوی که شهادت شهود قابل اثبات است مدعی میتواند حکم بدعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط به قسم او نماید

رئیس - موافقین با ماده ۱۳۲۵ قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۳۲۶ قرائت میشود ماده ۱۳۲۶ - در موارد ماده فوق مدعی علیه نیز میتواند در صورتیکه مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم بدعوی را منوط به قسم مدعی کند.

[۵ - معرفی آقای معاون وزارت مالیه]
و تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه رئیس - آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه - بنده عرض خیلی مختصر است یکی اینکه آقای فروهر را بمعاونت وزارت مالیه معرفی میکنم و یکی اینکه لایحه است زاجع باستخدام متخصص ضرابخانه که میرود بکمسیون و بعد در مجلس مطرح میشود.

رئیس - بکمسیون مراجعه خواهد شد. آقای وزیر داخله

[۶ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر داخله]
وزیر داخله - لایحه است راجع باستقرض از بانک

ملی برای اصلاح بلديه های خوی. رضایه. ساوجبلاغ سنندج. و ماکو. رئیس - بکمسیون مراجعه میشود. رأی میکبریم بماده ۱۳۲۶ موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۷ - بقیه شور لایحه قانون مدنی از ماده ۱۳۲۷]
رئیس - ماده ۱۳۲۷ قرائت میشود

ماده ۱۳۲۷ - مدعی یا مدعی علیه در مورد دوماده قبل در صورتی میتواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوی منتسب بشخص آن طرف باشد بنا براین در دعاوی بر صغیر و مجنون نمیتوان قسم را بر ولی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر نسبت باعمال صادره از شخص آنها آتهم مادامی که بولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند و همچنین است در کلیه موارد بکه امر منتسب بیکطرف باشد

رئیس - موافقین با ماده ۱۳۲۷ قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۳۲۸ قرائت میشود ماده ۱۳۲۸ - کسیکه قسم متوجه او باشد در صورتیکه نتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند باید قسم یاد نماید یا قسم را بطرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آن را بطرف دیگر رد نماید نسبت بادعائی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم میگردد.

رئیس - موافقین با ماده ۱۳۲۸ قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۳۲۹ قرائت میشود ماده ۱۳۲۹ - قسم به کسی متوجه میگردد که اگر اقرار کند اقرارش نافذ باشد.

رئیس - موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۳۳۰ قرائت شد.

ماده ۱۳۳۰ - تقاضای قید قابل توکیل است و وکیل در دعوی میتواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی تواند بجای موکل قسم یاد کند.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - در قانون محاکمات ماده ۱۷۹ مطابق يك ماده بود که آنجا موارد را ذکر کرده که در وکالت نامه مخصوصاً موکل باید تصریح کند که وکیل چه اموری را حق دارد مثل اینکه باید بنویسد حق صلح دارد حق ارجاع بخبره دارد حق تقاضای حکمیت دارد یعنی اگر کسی بطور کلی بیک کسی وکالت بدهد که برود محاکمه کند آن وکیل نمی تواند برود اصلاح کند یا تقاضای حکم بکند مگر اینکه موارد او باید در وکالت نامه تصریح شود ولی در اینجا نوشته شده است تقاضای قسم قابل توکیل است این صحیح است و ممکن است وکالت دهند و بنویسد که وکیل در دعوی میتواند طرف را قسم بدهد ظاهراً این ماده این را می رساند مثل این که کسی که وکیل شده است و می رود محاکمه کند بطور کلی این کس که برای او در وکالت نامه صریحاً قید نشده است که طرف را قسم بدهد آنوقت مطابق این ماده میتواند برود و طرف را قسم بدهد در صورتی که این ترتیب خوب نیست و بایستی صریح نوشته شود برای اینکه قسم دادن بطرف خودش يك آثاری دارد و گذشته کسی که قسم میدهد دیگر شکایتی بعد از قسم از او پذیرفته نمیشود چون قسم قاطع دعوی است از این جهت بنده عقیده دارم که در اینجا قید شود که در وکالت نامه صریحاً قید شود که حق قسم دادن دارد ولی اینطور که نوشته شده است که وکیل میتواند طرف را قسم بدهد بمقتضای بنده کافی نیست با اینکه صریحاً قید شود یا این که همان عبارت که نوشته است تقاضای قسم قابل توکیل است خودش کافی است.

وزیر عدلیه - این عبارت و وکیل در دعوی میتواند طرف را قسم دهد نوشته شده است اول آنست که قسم قابل

توکیل است و مفهوم مخالفش هم که نمی شده است این است که قسم خوردن قابل توکیل نیست و اینکه آیا در آن وکالت نامه باید قید شود یا نشود مربوط باصول محاکمات است و البته در آنجا هم نوشته خواهد شد که بعداً تصویب می شود.

رئیس - موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳۳۱ قرائت میشود ماده ۱۳۳۱ - قسم قاطع دعوی است و هیچگونه اظهاریه که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد

رئیس - موافقین ماده ۱۳۳۱ برخیزند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳۳۲ قرائت میشود ماده ۱۳۳۲ - قسم فقط نسبت باشخاصی که طرف دعوی بوده اند و قائم مقام آنها مؤثر است

رئیس - موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳۳۳ قرائت میشود ماده ۱۳۳۳ - در دعوی بر متوفی در صورتیکه اصل حق ثابت شده و بقاء در آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم میتواند از مدعی بخواهد که بر بقاء حق خود قسم یاد کند در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمیتواند قسم را بمدعی علیه رد کند.

حکم این ماده در موردی که مدرک دعوی سند رسمی است جاری نخواهد بود.

رئیس - موافقین با ماده ۱۳۳۳ قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳۳۳ قرائت میشود ماده ۱۳۳۴ - در مورد ماده ۱۲۸۲ کسی که اقرار کرده است میتواند نسبت باگناه که مورد اذعان او نیست از طرف مقابل تقاضای قسم کند مگر اینکه مدرک دعوی

مدرک دعوی است و وکیل نمیتواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمیتواند بجای موکل قسم یاد کند.

مدعی سند رسمی یا سندی باشد که اعتبار آن در محکمه محرز شده است.

رئیس - موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۳۳۵ قرائت میشود ماده ۱۳۳۵ - در دعوی ذیل قسم مورد ندارد

۱ - دعوی که بکطرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات و شرکتهای هستند

۲ - دعوی راجع بضرر و زیان ناشی از جرم و خسارت ناشی از محاکمه

۳ - دعوی تصرف عدوانی

۴ - دعوی مزاحمت در صورتیکه منتهی به اختلاف در حقی که موجب مزاحمت شده است نباشد

۵ - دعوی راجعه باصل امتیازاتی که از طرف دولت داده میشود

۶ - دعوی راجعه بعلائم صنعتی و اسم و علائم تجارتمی و حق التصنیف و حق اختراع و امثال اینها.

رئیس - موافقین با ماده ۱۳۳۵ قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مذاکره در کلیات ثانی است (مخالفی نیست) رأی گرفته میشود بمجموع ۵۲ ماده آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد.

[۸ - تصویب ۵ فقره مرخصی]

رئیس - چند فقره مرخصی مرخصی است قرائت میشود. خبر مرخصی آقای صفوی

آقای صفوی برای مسافرت لازمی به هندوستان و افغانستان چهل و پنج روز مرخصی تقاضا کرده اند کمیسیون عرایض لزوم مسافرت ایشان را تصدیق نموده با این استجازه موافقت دارد و اینک خبر آن را برای تصویب مجلس تقدیم مینماید.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای صفوی قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای امیر ابراهیمی آقای امیر ابراهیمی بتصدیق آقایان رئیس صحبه ابالتی کرمان و دکتر یگانه مریض بوده و قادر بر حرکت نبوده اند در نتیجه ۲۴ روز از تاریخ شانزدهم شهریور لغایت هشتم مهر ماه ۱۳۱۴ غایب و از حضور در مجلس معذور بوده اند کمیسیون عرایض و مرخصی عذر ایشان را موجه دانسته و با اجازه ۲۴ روز ایشان موافقت نموده اینک خبر آنرا برای تصویب مجلس تقدیم مینماید

رئیس - موافقین با مرخصی آقای امیر ابراهیمی قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای مختار مشیری آقای مختار مشیری نمایند عباسی برای اصلاح امور محلی تقاضای پانزده روز مرخصی از تاریخ اول آبان ۱۳۱۴ نموده و کمیسیون عرایض و مرخصی با این تقاضا موافقت نموده و اینک خبر آنرا تقدیم مینماید

رئیس - موافقین با مرخصی آقای مختار مشیری قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر مرخصی آقای دکتر قاسم اهری

آقای دکتر قاسم اهری برای رسیدگی بامور محلی بیست و دو روز از تاریخ هشتم آبان ۱۳۱۴ تقاضای مرخصی نموده و کمیسیون عرایض موافقت نموده اینک خبر آن را تقدیم مینماید

رئیس - موافقین با مرخصی آقای دکتر قاسم اهری قیام فرمایند. (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر مرخصی آقای مؤید ثابتی
 آقای مؤید ثابتی بتصدیق آقای دکتر غنی مریض بوده و
 بعلمت کسالت از حضور در مجلس معذور بوده و نوزده
 روز غایب بوده اند تقاضای اجازه نموده اند کمیسیون
 عرایض با ده روز از مدت فوق که در مرکز بوده و بعلمت
 کسالت از حرکت و حضور در مجلس ممنوع بوده اند موافقت
 نموده اینک خبر آنرا تقدیم مینمایم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده عقیده ام این است که همان
 مدتی را که آقای دکتر تصدیق کرده اند باید تصویب شود
 و نبایستی برای نه روز تبعیض شود.

رئیس - آقای هزارجریبی

هزارجریبی - چون آقای دکتر ده روز تصدیق کرده اند
 که مریض بوده اند و در مرکز بوده اند کمیسیون هم
 تصویب کرده است و نه روز دیگر را که بخراسان رفته اند
 وقتی که دکتر ده روز تصریح کرده است دیگر کمیسیون
 غیر از این تکلیفی نداشته است که بهمان ده روز رأی بدهد

حالا بسته است بنظر مجلس هر طور صلاح میدانند
 رأی بدهند

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - آقای مؤید ثابتی ده روز که مریض بوده
 اند که آن ده روز را مجلس بمنوان ناخوشی رأی میدهد و
 و نه روز دیگر را هم مجلس موافقت میکند که بی اجازه
 نباشند بنابراین بنده پیشنهاد میکنم که بهمان نوزده روز رأی
 گرفته شود

رئیس - البته چون ده روز کسالت داشته اند که از نظر

مرض محسوب میشود و نه روزی هم که برای کار رفته اند
 از بیست روز مرخصی حساب میشود که بی اجازه نمانند
 بنابراین بهمان نوزده روز رأی گرفته میشود آقایان موافقین

قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۹- موقع جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - جلسه را ختم میکنم جلسه آینده سه شنبه ۲۷

آبان سه ساعت قبل از ظهر

(مجلس نیمساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون مدنی

کتاب دوم - از جلد سوم

در اسناد

ماده ۱۲۸۴ - سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.

ماده ۱۲۸۵ - شهادت نامه سند محسوب نمیشود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت.

ماده ۱۲۸۶ - سند بر دو نوع است. رسمی و عادی.

ماده ۱۲۸۷ - اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یادقادر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها ویر
 طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است.

ماده ۱۲۸۸ - مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف قوانین نباشد.

ماده ۱۲۸۹ - غیر از اسناد مذکوره در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است.

ماده ۱۲۹۰ - اسناد رسمی درباره طرفین و وراثت و قائم مقام آنها معتبر است و اعتبار آنها نسبت باشخاص ثالث در صورتی است
 که قانون تصریح کرده باشد.

ماده ۱۲۹۱ - اسناد عادی در دو مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراثت و قائم مقام آنان معتبر است.

۱ - اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب الیه تصدیق نماید.

۲ - هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آنرا تکذیب یا تردید کرده فی الواقع امضاء یا مهر کرده است.

ماده ۱۲۹۲ - در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسوع نیست و طرف میتواند
 ادعای جماعت نسبت باسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور بجهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

ماده ۱۲۹۳ - هرگاه سند بوسیله یکی از مأمورین رسمی تنظیم اسناد تهیه شده لیکن مأمور صلاحیت تنظیم آن سند
 را نداشته و یا رعایت ترتیبات مقرر قانونی را در تنظیم سند نکرده باشد سند مزبور در صورتی که دارای امضاء یا مهر طرف باشد
 عادی است.

ماده ۱۲۹۴ - عدم رعایت مقررات راجعه بحق تبرک باسناد تعلق میگیرد سند را از رسمیت خارج نمیکند.

ماده ۱۲۹۵ - محاکم ایران باسناد تنظیم شده در کشورهای خارج همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق
 قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می باشد مشروط بر اینکه

اولا - اسناد مزبوره بعلمت از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

ثانیا - مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.

ثالثا - کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده بموجب قوانین خود یا عهود اسناد تنظیم شده در ایران را نیز معتبر بشناسد.

رابعا - نماینده سیاسی و یا قونسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده نماینده سیاسی و یا قونسولی کشور مزبور در
 ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.

ماده ۱۲۹۶ - هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود بتوسط نماینده سیاسی یا قونسولی خارج
 در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج طهران حکام
 ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند.

ماده ۱۲۹۷ - دفاتر تجارتي در موارد دعوای تجاری بر تاجر دیگر در صورتیکه دعوی از معاصبات و مطالبات تجارتي
 حاصل شده باشد دلیل محسوب میشود مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

ماده ۱۲۹۸ - دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر
 کسی بدقت تاجر اسناد کرد نمیتواند تفکیک کرده آنچه را که بر نفع اوست قبول و آنچه که بر ضرر اوست رد کند مگر آنکه بی اعتباری
 آنچه را که بر ضرر اوست ثابت کند.

ماده ۱۲۹۹ - دفتر تجارتي در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمیشود.

۱ - در صورتی که مدلل شود اوراق جدیدی بدقت داخل کرده اند یا دفتر تراشیدگی دارد.

۲ - وقتی که در دفتر بی ترتیبی و اغتشاهی کشف شود که بر نفع صاحب دفتر باشد.

۳ - وقتی که بی اعتباری دفتر سابقاً بجهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد.

ماده ۱۳۰۰ - در مواردی که دفتر تجارتي بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد.

ماده ۱۳۰۱ - امضایی که در دو روز نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاء کننده دلیل است.

ماده ۱۳۰۲ - هرگاه در ذیل یا سایر اقسام ظهر سندی که در دست امضاء کننده بوده مندرجانی باشد که حکایت الیه امضاء

یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند نباید مندرجات مزبوره معتبر محسوب است اگرچه تاریخ و امضا نداشته و یا بوسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد.
ماده ۱۳۰۳ - در صورتی که بطلان مندرجات مذکوره در ماده قبل معنی باامضاء طرف بوده و یا طرف بطلان آنرا قبول کند و یا آنکه بطلان آن در محکمه ثابت شود مندرجات مزبوره بلا اثر خواهد بود.
ماده ۱۳۰۴ - هرگاه امضای تمهیدی در خود تمهیدنامه نشده و در نوشته علیحده شده باشد آن تمهیدنامه بر علیه امضاکننده دلیل است در صورتیکه در نوشته مصرح باشد که بکدام تمهید یا مامله مربوط است.
ماده ۱۳۰۵ - در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط در باره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و ورثه آنان و کسی که بنفع او وصیت شده معتبر است

کتاب سوم در شهادت

باب اول در موارد شهادت

ماده ۱۳۰۶ - جز در مواردی که قانون اجتناء کرده است هیچیک از عقود و ایقاعات و تمهیدات را که موضوع آن عیناً یا قیماً بیش از پانصد ریال باشد نمیتوان فقط بوسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت باظهارات شهود رسیدگی کنند.
ماده ۱۳۰۷ - در مورد عقود و ایقاعات و تمهیدات مذکوره در ماده فوق کسی هم که مدعی است بتمهید خود عمل کرده یا پنجمی از اجزاء قانونی بری شده است نمیتواند ادعای خود را فقط بوسیله شهادت ثابت کند.
ماده ۱۳۰۸ - دعوی سقوط حق از قبیل پرداخت دین - اقاله - فسخ - ابراء و امثال آنها در مقابل سند رسمی یا سندیه که اعتبار آن در محکمه محرز شده ولو آنکه موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد بشهادت قابل اثبات نیست
ماده ۱۳۰۹ - در مقابل سند رسمی یا سندیه اعتبار آن در محکمه محرز شده دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد بشهادت اثبات نمیکرد.
ماده ۱۳۱۰ - اگر موضوع دعوی عقد یا ایقاع یا تمهیدی بیش از پانصد ریال باشد نمیتوان آنرا فقط بوسیله شهود اثبات کرد اگرچه مدعی دعوی خود را به پانصد ریال تقابل داده یا از مازاد آن صرف نظر کند.
ماده ۱۳۱۱ - قیمت پانصد ریال در زمان عقیدای ایقاع و یا تمهید منطبق است نه موقع مطالبه . ولی نسبت بانچه که قبل از اجرای این قانون واقع شده منطبق قیمت روز مطالبه است.
ماده ۱۳۱۲ - احکام مذکور در فوق در موارد ذیل جاری نخواهد بود
۱ - در مواردی که اقامه شاهد برای تقویت یا تکمیل دلیل باشد مثل اینکه دلیلی بر اصل دعوی موجود بوده ولی مقدار یا مبلغ مجهول باشد و شهادت بر تعیین مقدار یا مبلغ اقامه گردد .
۲ - در مواردی که بواسطه حادثه گرفتن سند ممکن نیست از قبیل حریق و سیل و زلزله و غرق کشتی که کسی مال خود را بدیگری سپرده و تحصیل سند برای صاحب مال در آن موقع ممکن نیست .
۳ - نسبت بکلیه تمهیداتی که عادتاً تحصیل سند معمول نمی باشد مثل اموالیکه اشخاص در مهیائخانه ها و قهوه خانه ها و کاروانسرا ها و نایبگاه ها می سیارند و مثل حق انزحه اطباء و قابله همچنین انجام تمهیداتیکه برای آن عاده تحصیل سند معمول نیست مثل کار هائیکه به مقاطعه و نحو آن تمهید شده اگرچه اصل تمهید بموجب سند باشد .
۴ - در صورتیکه سند بواسطه حوادث غیر منتظره مفقود یا تلف شده باشد .
۵ - در موارد ضمانت فوری و امور دیگری که داخل در عقود و ایقاعات نباشد .
ماده ۱۳۱۳ - شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمیشود :
۱ - محکومین بجزایات جنائی .
۲ - محکومین پاسا چنجه که محکمه در حکم خود آنها را از حق شهادت دادن در محاکم محروم کرده باشد .
۳ - اشخاص دلگردد و کسانیکه تکدی را مثل خود قرار دهند .
۴ - اشخاص معروف بساد اخلاق .
۵ - کسیکه نفع شخصی در دعوی داشته باشد .
۶ - شهادت دیوانه و رجال دیوانگی .
ماده ۱۳۱۴ - شهادت اطفال را که بسن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد .

باب دوم در شرایط شهادت

ماده ۱۳۱۵ - شهادت باید از روی قطع و برین باشد که بطور صریح در دعوی
ماده ۱۳۱۶ - شهادت باید از روی قطع و برین باشد که بطور صریح در دعوی
ماده ۱۳۱۷ - شهادت باید از روی قطع و برین باشد که بطور صریح در دعوی
ماده ۱۳۱۸ - شهادت باید از روی قطع و برین باشد که بطور صریح در دعوی
ماده ۱۳۱۹ - شهادت باید از روی قطع و برین باشد که بطور صریح در دعوی
ماده ۱۳۲۰ - شهادت باید از روی قطع و برین باشد که بطور صریح در دعوی

ماده ۱۳۱۶ - شهادت باید مطابق با دعوی باشد ولی اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کتزاز ادا باشد ضرری ندارد .
ماده ۱۳۱۷ - شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد بنا بر این اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متیقنی بدست آید .
ماده ۱۳۱۸ - اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در موضوع شهادت نباشد اشکالی ندارد .
ماده ۱۳۱۹ - در صورتیکه شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود برخلاف واقع شهادت داده است بشهادت او ترتیب اثر داده نمیشود .
ماده ۱۳۲۰ - شهادت بر صورتی مسوع است که شاهد اصل وفات یافته یا بواسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود .

کتاب چهارم - در امارات

ماده ۱۳۲۱ - اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که بحکم قانون یا در نظر قاضی دلیل براسری شناخته میشود .
ماده ۱۳۲۲ - امارات قانونی اماراتی است که قانون آنرا دلیل براسری قرار داده مثل امارات مذکوره در این قانون از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات مصرحه در قوانین دیگر .
ماده ۱۳۲۳ - امارات قانونی در کلیه دعوی اگرچه از دعاوی باشد که بشهادت شهود قابل اثبات نیست معتبر است مگر آنکه دلیل برخلاف آن موجود باشد .
ماده ۱۳۲۴ - اماراتی که بنظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد در صورتی قابل استناد است که دعوی بشهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند .

کتاب پنجم - در قسم

ماده ۱۳۲۵ - در دعوی که بشهادت شهود قابل اثبات است مدعی میتواند حکم بدعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است منوط بقسم او نماید .
ماده ۱۳۲۶ - در مواردی که فوق مدعی علیه نیز میتواند در صورتیکه مدعی سقوط دین یا تمهید یا نحو آن باشد حکم بدعوی را منوط به قسم مدعی کند .
ماده ۱۳۲۷ - مدعی یا مدعی علیه در مورد دو ماده قبل در صورتی میتواند تقاضای قسم از طرف دیگر نماید که عمل یا موضوع دعوی متنسب بشخص آن طرف باشد بنابراین در دعوی بر صغیر و مجنون نمیتوان قسم را بر ولی یا وصی یا قیم متوجه کرد مگر نسبت باعمال صادره از شخص آنها آنهم مادامی که بولایت یا وصایت یا قیمومت باقی هستند و همچنین است در کلیه مواردیکه امر متنسب بیکطرف باشد .
ماده ۱۳۲۸ - کسی که قسم متوجه او شده است در صورتیکه بتواند بطلان دعوی طرف را اثبات کند یا باید قسم یاد نماید یا قسم را بطرف دیگر رد کند و اگر نه قسم یاد کند و نه آنرا بطرف دیگر رد نماید نسبت با دعوی که تقاضای قسم برای آن شده است محکوم میگردد
ماده ۱۳۲۹ - قسم به کسی متوجه میگردد که اگر اقرار کند اقرارش نافذ باشد
ماده ۱۳۳۰ - تقاضای قسم قابل توکیل است و وکیل در دعوی میتواند طرف را قسم دهد لیکن قسم یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمیتواند بجای موکل قسم یاد کند .
ماده ۱۳۳۱ - قسم قاطع دعوی است و هیچگونه اظهاری که منافی با قسم باشد از طرف پذیرفته نخواهد شد .
ماده ۱۳۳۲ - قسم فقط نسبت باشخاصی که طرف دعوی بوده اند و قائم مقام آنها مؤثر است .
ماده ۱۳۳۳ - در دعوی بر متوفی در صورتی که اصل حق ثابت شده و بقای آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم میتواند از مدعی بخواهد که بر بقای حق خود قسم یاد کند . در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمی تواند قسم را بدعی علیه رد کند . حکم این ماده در موردیکه مدرک دعوی سند رسمی است جاری نخواهد بود .
ماده ۱۳۳۴ - در مورد باده ۱۲۸۳ کسی که اقرار کرده است میتواند نسبت به آنچه که مورد ادعای اوست از طرف مقابل تقاضای قسم کند مگر اینکه مدرک دعوی مدعی سند رسمی یا سندیه باشد که اعتبار آن در محکمه محرز شده است .
ماده ۱۳۳۵ - در دعوی ذیل قسم مورد ندارد :
۱ - دعوی که بکطرف آن اشخاص حقوقی مثل ادارات دولت و شرکتها هستند .
۲ - دعوی راجع بضرر و زیان ناشی از جرم و خسارت ناشی از مجازحه
۳ - دعوی تصرف عدوانی
۴ - دعوی مزاحمت در صورتیکه منتهی به اختلاف در حقی که موجب مزاحمت شده است نباشد
۵ - دعوی راجعه باصل امتیازاتی که از طرف دولت داده میشود
۶ - دعوی راجعه بلامت صحتی و اسم و طلام تجارتی و حق التصنیف و حق اختراع و امثال اینها
این قانون که مشتمل بر پنجاه و دو ماده است در جلسه هفتم آبانماه یکهزار و سیصد و چهارده هجری شمسی بصورت مجلس شورای ملی رسید .
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری